نگاه

انسان اردوگاه

شرق: «مسئولیت و داوری» عنوان مجموعه‌ای است از هشت نوشتارِ مستقل و پیش‌تر منتشرنشده از هانا آرنت که به دهه پایانی عمر او مربوط‌اند. این کتاب اثری حائز اهمیت در درک تلقی آرنت از اخلاق و سیاست به شمار می‌رود. آرنت در «آیشمان در اورشلیم» این پرسشِ مهم را مطرح کرد که چطور می‌شود مردی که نه شیطان است نه هیولا عاملِ اصلی یکی از وحشتناک‌ترین جنایات تاریخ بشر باشد. نوشتارهایی که در کتاب «مسئولیت و داوری» گرد آمده‌اند، درواقع کوششِ او است در واپسین سال‌های عمر برای درکِ معنا و مفهومِ این جنبه از ذاتِ بشر. در این کتاب با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که در جایی که معیارهای سنتیِ اخلاق نتوانستند فرهیخته‌ترین اعضای جامعه متمدنِ آلمان را از دست یازیدن به شنیع‌ترین کارها بازبدارند، قوه داوریِ انسان چطور خیر را از شر و درست را از نادرست بازمی‌شناسد؟ گرچه آرنت را غالبا متفکری در زمینه اندیشه سیاسی می‌شناسند اما در مقالات این مجموعه، به‌خصوص در «پرسش‌هایی از فلسفه اخلاق» و «تفکر و ملاحظات اخلاقی»، اخلاق به‌ویژه مسئله تشخیص خیر از شر و ماهیت شر، جایگاهی محوری در تأملات آرنت می‌یابند. آرنت در یکی از نوشتارهای کتاب با عنوان «مسئولیت شخصی در دوران دیکتاتوری» می‌گوید به چند دلیل در بحث درباره حق یا توانایی داوری به مهم‌ترین موضوع اخلاقی اشاره می‌کند. او می‌گوید در اینجا پای دو مسئله مطرح است: نخست آنکه چطور می‌توانم درست را از نادرست تشخیص دهم، اگر اکثریت یا کل اطرافیانم در این باره پیش‌داوری کرده باشند؟ من که هستم داوری کنم؟ و دوم، درمورد رویدادها یا پیشامدهایی که در آنها حاضر نبودیم، اگر اصلا بتوان داوری کرد، تا چه حد و اندازه‌ای می‌توانیم داوری کنیم؟ بدیهی است که اگر قابلیت دوم را کنار بگذاریم آن‌گاه نه تاریخ‌نگاری ممکن می‌شد و نه آیین دادرسی. آرنت در این مورد نوشته: «می‌توان یک گام پیش‌تر هم رفت و ادعا کرد بسیار اندک‌اند مواردی که در آنها، هنگام استفاده از قابلیت داوری خود، با نگاه امروزی‌مان به گذشته داوری نکنیم، و این درباره تاریخ‌نگار نیز درست به همین اندازه صادق است، همان‌طورکه در مورد قاضی محاکمه، که شاید دلایل خوبی داشته باشند که به گزارش شاهدان عینی یا داوری افراد حاضر در آنجا بی‌اعتماد باشند. به‌علاوه، چون این مسئله داوری بدون حضور داشتن معمولا با اتهام تکبر همراه می‌شود، می‌پرسم که اصلا چه کسی مدعی شده که من با داوری درباره یک کار نادرست، پیش‌فرض می‌گیرم که خودم قادر به ارتکاب آن کار نمی‌بودم؟ حتی خود قاضی که کسی را به جرم قتل محکوم می‌کند همچنان می‌تواند بگوید اگر لطف الهی نبود من نیز به همین راه می‌رفتم! بنابراین در بادی امر، همه اینها مهملاتی پر آب و تاب به نظر می‌آیند، اما وقتی بسیاری از مردم، بدون اینکه آلت دست قرار گرفته باشند، شروع کنند به مهمل گفتن، و اگر آدم‌های باهوش در میان‌شان باشند، آنگاه معمولا قضیه مهم‌تر از صرفا مهمل‌بافی است. در جامعه ما ترسی فراگیر از داوری کردن هست که به این توصیه کتاب مقدس هیچ ربطی ندارد که داوری مکنید تا بر شما داوری نشود، و اگر این ترس در همان چارچوب ترس از انداختن سنگ اول باشد، آنگاه بی‌حرمتی به خود همین کلام است. زیرا در پس این اکراه از داوری کردن این بدگمانی پنهان شده که هیچ‌کس عامل آزاد نیست، و به همین سبب در این باره تردید هست که کسی برای آنچه کرده مسئول باشد یا بتوان انتظار داشت بابت آن پاسخ‌گو باشد».

مسئولیت و داوری، هانا آرنت، ترجمه میثم محمدامینی، نشر نو

کتاب «ماوتهاوزن» اثر یاکووس کامبانللیس، اثری اتوبیوگرافیک است که شامل خاطرات نویسنده از دوران جنگ، اسارت و اردوگاه است. یاکووس کامبانللیس نویسنده‌ای یونانی است که در این کتاب به شرح تجربه‌اش از روزهای آخر دوران اسارت در اردوگاه ماوتهاوزن در اتریش پرداخته است. ماوتهاوزن از ۵ مه تا پایان ژوئیه ۱۹۴۵، هنوز محلی بود که هزاران انسان را با مصیبت‌ها و سوگنامه‌هایشان در خود جای می‌داد. جنگ به پایان رسیده بود اما صلح اروپا را به دو بخش تقسیم کرده بود؛ تقسیم‌بندی‌ای که بعدها به رویارویی بین نیمی از دنیا با نیمی دیگر بدل شد. برای هزاران اسیر سابق، روز آزادی پایان تیره‌بختی و البته آغاز سیه‌روزی دیگری بود و اردوگاه تنها مکانی که می‌توانستند بمانند چون دیگر جایی نداشتند که بروند. وضعیت جهان پس از جنگ آبستن حوادث بسیار بود؛ جهانی که مهیا بود تا پس از فروخوابیدنِ هیاهوی جشن‌های پیروزی متفقینِ مهربان بر دشمنان شرور بشریت و آرزوهای «دگر هرگز چنین مباد! دگر هرگز چنین مباد!» دست به کشتار بزند. یاکووس کامبانللیس در یونان نویسند مشهوری است. او را یکی از نمایش‌نامه‌نویسان مهم تئاتر معاصر می‌شناسند و حتی برخی از منتقدان «ریش‌سفید» لقبش داده‌اند. ماوتهاوزن تنها و یگانه داستان منتشرشده این نویسنده پُرکار است که حدود چهل نمایش‌نامه و چندین فیلم‌نامه، از جمله فیلم‌نامه اِستلا اثر کاکویانیس، و ترانه‌های پُرشماری نوشته و سروده است. در بین آثار ادبی و همچنین زندگی او این کتاب جایگاهی مجزا دارد. نویسنده در ۸۳ سالگی در مصاحبه‌ای تلویزیونی تأکید کرده بود: «ماوتهاوزن من را به‌عنوان یک انسان تعریف کرد، من هنوز انسانِ اردوگاه هستم». همان‌طورکه در توضیحات خود کتاب هم آمده، کامبانللیس با شناسه ۳۷۷۳۴، از اُکتبر ۱۹۴۳ تا ۵ مه ۱۹۴۵، یعنی آزادشدن اردوگاه به‌وسیله ارتش آمریکا، در ماوتهاوزن زندانی بود. اگر توانست جان به‌در ببرد، به‌لطف حمایت یک اسیر سیاسی قدیمی آلمانی بود که او را در دفاتر بخش سیاسی به‌کار گرفت. با این حال، مرگ چندین بار از بیخ گوشش گذشت. در روزهای پس از آزادی، از سوی یونانی‌های بازمانده به‌عنوان نماینده‌شان در کمیته‌ای انتخاب شد که شهادت‌ها را ثبت می‌کرد، با شاهدان دیدار می‌کرد و بر بهبود جسمی اُسرا و بازگشتشان به وطن نظارت می‌کرد. هنگامی که کامبانللیس، «ماوتهاوزن» را نوشت، نویسنده مشهوری بود که هشت نمایش‌نامه‌اش به روی صحنه رفته بود. با این حال، قبلا روی این اثر کار کرده بود: یادداشت‌هایی که از زمان آزادی اردوگاه برداشته بود و هزاران صفحه که در طی زمستان ۱۹۴۶-۱۹۴۵ به رشته تحریر درآورد و خودش تجربه باورنکردنی‌اش را نقل کرد. روایت او ابتدا به‌صورت پاورقی در سال ۱۹۶۳ و هم‌زمان با انتشار سفر بزرگِ خورخه سمپرون در فرانسه و ترک مخاصمه پریمو لِوی در ایتالیا منتشر شد. کامبانللیس بر اهمیت وضعیت روحی آن زمانش برای آغاز نگارش قصّه‌اش چنین تاکید کرده است: «ماوتهاوزن هنگامی نوشته شد که احساس کردم به امیدهایی که پس از پایان جنگ در دل داشتم عمیقا خیانت شده است». یونان بی‌ثباتی تازه‌ای را تجربه می‌کرد، بحران قبرس تشدید می‌شد و مه ۱۹۶۳، قتل گریگوریس لامبراکیسِ نماینده، اذهان عمومی را تحت تأثیر قرار داده بود.

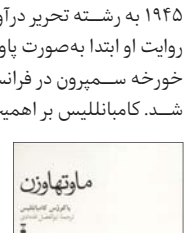

ماوتهاوزن، یاکووس کامبانللیس، ترجمه ابوالفضل الله‌دادی

در حاشیه «ترورهای سیاسی در ایران» پژوهشی تازه از سهراب یزدانی

تبار فدایی

پیام حیدرقزوینی

تازه‌ترین پژوهش منتشرشده سهراب یزدانی، «ترورهای سیاسی در ایران» نام دارد که آن‌طورکه از نامش هم برمی‌آید به مطالعه ترورهای سیاسی ایران در دورانی ۱۰ساله یعنی فاصله میان ۱۲۸۶ تا ۱۲۹۶ شمسی پرداخته است. «ترورهای سیاسی در ایران» را می‌توان در تداوم پژوهش‌های قبلی یزدانی دانست. گرچه موضوع این کتاب در میان آثار یزدانی تازه است اما دورانی که در این کتاب مدنظرش بوده، دوره‌ای از تاریخ ایران است که در آثار قبلی‌اش هم به آن پرداخته بود. عصر مشروطه و حوادث پیش و پس از آن دوره‌ای است که اغلب مورد توجه یزدانی بوده و او در آثاری چون «روستاییان و مشروطیت ایران»، «مجاهدان مشروطه»، «اجتماعیون عامیون» و «کسروی و تاریخ مشروطه ایران» به این دوره پرتلاطم پرداخته است.

اگرچه «ترورهای سیاسی در ایران» به بازه‌ای ۱۰ساله در عصر مشروطه مربوط است اما نوع نگرش یزدانی به موضوع می‌تواند پیوند عمیقی با امروز داشته باشد. در سال‌های اخیر برخوردی سطحی و مبتذل با تاریخ و به طور خاص با برخی وقایع پیش از انقلاب رواج یافته که رد آن را می‌توان هم در برخی نشریات راست‌گرای ضدروشنفکری دید و هم در برخی رسانه‌های ارتجاعی فارسی‌زبان که حسرت بازگشت به گذشته و سلطه دوباره ساواک را دارند. آنها هر شکلی از مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را با عنوان عملیات تروریستی و خرابکارانه جا می‌زنند بی‌آنکه به بستر و زمینه تاریخی شکل‌گیری مبارزه مسلحانه در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و آثار و نتایج آن در دهه ۵۰ توجهی داشته باشند. نوع نگاه یزدانی در کتاب «ترورهای سیاسی در ایران» الگویی از مواجهه تاریخی با پدیده ترور سیاسی و اقدام مسلحانه به دست می‌دهد و مقابل به ابتذال کشاندن وقایع تاریخی می‌ایستد. یزدانی در بخشی از دیباچه کتاب به علت شکل‌گیری ترور سیاسی اشاره کرده و می‌گوید فهم این علت چندان دشوار نیست: «حاکمانی که سرنوشت میلیون‌ها شهروند خود را رقم می‌زدند بی‌آنکه به آنان اجازه مشارکت در امور سیاسی را بدهند، مانع فعالیت‌های سازمان‌یافته آنها می‌شد ند و راه‌های قانونی ابراز عقیده را می‌بستند، خود زمینه‌های ترور را فراهم می‌آوردند. تا وقتی که مردم سر به زیرند و سرنوشت خود را می‌پذیرند، حاکمان از آنها ترسی ندارند. مشکل زمانی پیش می‌آید که بخش‌هایی از جامعه به حقوق انسانی خود آگاه می‌شوند و می‌خواهند حاکمان نیز چنین حقوقی را به رسمیت بشناسند. ». نادیده‌گرفتن سرکوب‌های گسترده پس از کودتای ۲۸ مرداد و سپس شکل‌گیری مرحله تازه‌ای از خفقان از اواخر دهه ۴۰ به این سو و به عبارت بهتر عدم توجه به بستر تاریخی شکل‌گیری مبارزه مسلحانه منجر به شکل‌گیری روایت‌های مبتذل و سطحی از تاریخ می‌شود و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که بخشی از جوانانی که به سیاست صبر و انتظار جبهه ملی یا حزب توده ایران پشت کردند و به جنبش فدایی پیوستند گرفتار جهل و ماجراجویی بودند.

یزدانی در دیباچه کتاب به نکته‌ای حائز اهمیت اشاره کرده و آن اینکه باید میان قتل عادی، ترور و تروریسم تمایز قائل شویم. در سال‌های اخیر و به خاطر رشد عملیات تروریستی مرز میان این مفاهیم کاملا درهم ریخته یا از بین رفته است. او می‌گوید آشفتگی این مفاهیم حاصل تبلیغات ایدئولوژیک آن دسته از دولت‌هایی است که هر شکلی از عمل سیاسی مخالفان خود را با برچسب تروریسم دسته‌بندی می‌کنند. رسانه‌های جریان اصلی نیز اغلب تفاوتی میان این مفاهیم قائل نیستند. یزدانی می‌گوید گاهی در مطالعات دانشگاهی نیز میان ترور و تروریسم مرزی ترسیم نمی‌شود. در چنین وضعیت آشفته‌ای است که او به سراغ ترورهای سیاسی در برهه‌ای از تاریخ ایران معاصر رفته است و تلاش کرده از چارچوب علوم انسانی و از منظری پژوهشی به ترورهای سیاسی بنگرد و مرز میان انواع قتل و ترور را روشن کند. یزدانی در ابتدای کتاب به معنای لغوی، سیاسی و تاریخی ترور توجه کرده و درباره تفاوت ترور با جنایت عادی و تروریسم توضیح داده است. او اینها را دو پدیده متفاوت نامیده که روش کار و پیامدهای اجتماعی متفاوتی هم دارند: «تروریسم اجتماع را هدف خود می‌داند و دامنه‌ای وسیع می‌یابد و در بسیاری از موارد عملی کورکورانه است. هرگاه در جامعه‌ای عملیات تروریستی پی‌درپی رخ دهد، هیچ فردی نمی‌تواند خود را مصون از خطر بداند. به همین علت، تروریسم هراس اجتماعی می‌آفریند. اما ترور سیاسی متوجه گروه خاصی است و به طور معمول به اعضای گروه حاکمه و وابستگان آنها چشم می‌دوزد. بنابراین افراد همین گروه را در وحشت فرومی‌برد».

ترورهای سیاسی در ایران: ۱۲۸۶-۱۲۹۶
نویسنده: سهراب یزدانی
ناشر: مد

یزدانی در مقدمه بحثش می‌گوید که قتل سیاسی پیشینه‌ای دارد به قدمت تاریخ مدون و «شاید جامعه‌ای را نتوان یافت که چنین عملی را نیازموده باشد. کشتن رقیب یا دشمن همواره یکی از شیوه‌های مبارزه بر سر قدرت بوده است». او در دیباچه کتاب با بررسی برخی نظریه‌های مطرحی که درباره ترور سیاسی منتشر شده به زوایای مختلف موضوع پرداخته است. او به درستی نشان می‌دهد که خشونت‌ورزی و قتل سیاسی مسئله‌ای پیچیده و چندلایه است که از قرن نوزدهم به این سو بارها مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پس از این مقدمه تاریخی و نظری، یزدانی به سراغ ایران عصر ناصری و اوایل قرن بیستم می‌آید. او قتل سیاسی یا ترور را قتل‌هایی می‌داند که روابط سیاسی آنها را برانگیخته‌اند، اقدام آگاهانه به شمار می‌روند، هدف‌های مشخصی دارند و افرادی را برمی‌گزینند که تصور می‌شود بر زندگی اجتماعی مؤثرند. آن‌طورکه پیش‌تر اشاره شد، دوره زمانی مدنظر یزدانی در این کتاب دوره‌ای ۱۰ساله است که از زمان مشروطیت آغاز می‌شود و به سال‌های پایانی جنگ جهانی اول می‌رسد. اما او پیش از ورود به بحث اصلی کتاب، در فصلی مقدماتی به قتل ناصرالدین شاه توجه کرده است. قتلی که نخستین ترور سیاسی در تاریخ جدید ایران بود و به قول یزدانی بسیاری از ویژگی‌های چنین عملی را داشت و افزون بر این؛ «از نظر فکری نیز برای گروهی از ایرانیان الهام‌بخش و راهگشا بود. در کوران رویدادهای مشروطه، مبارزه سیاسی تشدید شد و از چارچوب قانون گذشت. چند ترور صورت گرفت که برخی از آنها موفق بودند و برخی دیگر به شکست انجامیدند. در ماه‌های پایانی جنگ جهانی، کمیته مجازات سربرآورد و در فضای جدید اجتماعی و سیاسی چند ترور انجام داد».

بر این اساس به‌جز فصل مقدماتی اثر، کتاب سه بخش دیگر دارد که به ترورهای دوران مجلس اول و دوم مشروطه تا عملیات کمیته مجازات در خلال جنگ جهانی اول اختصاص دارند. یزدانی تلاش کرده بر اساس اسناد و نشریه‌ها و گزارش‌ها و نوشته‌های هم‌زمان با رویدادها و چند اثر تحقیقی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: اوضاع سیاسی و اجتماعی چگونه زمینه ترورها را فراهم آوردند؟ کدام افراد و سازمان‌ها در ترورها دست داشتند و چه هدف‌هایی را دنبال می‌کردند؟ اخبار چنین رویدادهایی از طریق کدام سازوکارها در جامعه پخش می‌شد؟ بخش‌های گوناگون جامعه چه واکنشی به این‌گونه عملیات‌ها نشان می‌دادند؟ ترورها چه پیامدهایی به بار آوردند و آیا توانستند روابط را دگرگون کنند؟ یزدانی البته می‌گوید که پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها چندان ساده نیست، چراکه ترور عملی توطئه‌آمیز است و در پنهان برنامه‌ریزی می‌شود و اگر به‌درستی تدارک یافته باشد تا زمان عمل فاش نمی‌شود. ازاین‌رو پژوهش درباره عملی مخفی و پنهانی که گاه با اطلاعات و اخبار غلط هم درآمیخته شده کار پژوهشگر را دشوار می‌کند.

مروری بر کتاب «حس شگفتی» راشل کارسون

طبیعت با ما در سخن است

جوادلگزیان

برای حس و درک زندگی بهترین راه گوش‌سپردن به نجوای طبیعت است. طبیعتی که با زبانی شایسته و زیبا با ما در گفت‌وگوست. راشل کارسون در کتاب «حس شگفتی» از ما می‌خواهد تا به کودکان آشتی و آشنایی و صمیمیت با طبیعت را بیاموزیم و با آنها در این مسیر نورانی همراه و همگام شویم. هرچند کتاب به‌نوعی راهنمایی برای والدین است تا شریک تجربیات لذت‌بخش کودکان از بودن در طبیعت باشند، با این حال برگ‌برگ آن همراه با تصاویر بی‌نظیری که از عناصر طبیعت رام‌نشدنی پیش چشم می‌گذارد و با نثری سرشار از جنگل و دریا و شعر و موسیقی هر بیننده و خواننده‌ای را به لحظاتی درنگ و مکاشفه‌ای درونی فرامی‌خواند. در این کتاب می‌خوانیم: «انسان‌ها در طی تاریخ زیست خود بر زمین، یاد گرفتند که چگونه با دنبال‌کردن نشانه‌ها و نمادها، آنچه را که می‌خواهند از طبیعت برگیرند و چگونه با خطراتش روبه‌رو شوند. با گسترش سیطره‌گونه انسان بر زمین، آن پیوند دیرین خالی از احساس شد. بااین‌حال هنوز هم طبیعت با ما در سخن است. زبان طبیعت برای سخن‌گفتن با ما همان تجربیات نابِ طبیعت است». پیشنهاد «راشل کارسون» (۲۷ مه ۱۹۰۷ - ۱۴ آوریل۱۹۶۴) نویسنده پیشرو محیط زیست در این کتاب این است که هنگام تجربه‌ورزی، با تمام حواس و هنگام رویارویی با پدیده‌ها و کشف‌وشهود شورمندانه طبیعت، دست در دست کودک و پابه‌پای او قدم در دنیای شگفت‌انگیزی بگذاریم که در همین نزدیکیِ هریک از ماست و این ارزشمندترین هدیه‌ای است که می‌توان به کودکی داد تا شکوه لمس طبیعت و لذت همیشه پایدار آن در تمام زندگی‌اش او را به پیش ببرد؛ بی‌آنکه عجولانه در پی یاددادن آموخته‌هایی به او باشیم، چراکه کودک خودبه‌خود در مسیر یادگیری آنها قرار خواهد گرفت. ابتدا این کشش و شیفتگی به پدیده‌هاست که ما را در گام بعدی، به فراگیری دانش درباره آنها ترغیب و تشویق خواهد کرد. «حس شگفتی» نوشته راشل کارسون با ترجمه عباس فقهی و نگار گودرزی به‌عنوان هشتمین کتاب مجموعه «کودک و تجربه طبیعت» را انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد رهسپار بازار کتاب کرده است. راشل کارسون که در ناحیه‌ای روستایی در پنسیلوانیای آمریکا متولد شد در ایام زندگی خود با علاقه و پشتکار از نگاه یک زیست‌شناس از لزوم همزیستی انسان و طبیعت نوشت و الهام‌بخش هزاران گروه طرفدار محیط زیست شد. کارسون سال ۱۹۵۲ کتاب دریای پیرامون ما را منتشر کرد که برنده جایزه اقیانوس‌شناسی شد. «بهار خاموش» کتاب دیگر این نویسنده هشداری است درباره آلاینده‌های ساخته دست بشر که بسیار درخشید.

عطف

در دفاع از همدلی

شرق: «فاصله‌ها» با عنوان فرعی «راز همدلی چیست؟» کتابی است از هایدی ال. مایبام که او در آن با رجوع به فلسفه، ادبیات، روان‌شناسی و علوم اعصاب نشان می‌دهد که همدلی نه‌تنها به تعصب و جهت‌گیری دامن نمی‌زند؛ بلکه موجب می‌شود جهان و انسان‌ها را از منظری منصفانه‌تر و بی‌طرف‌تر ببینیم؛ ازاین‌رو می‌توان گفت «فاصله‌ها» کتابی است در نقد باورهای مرسوم درباره بی‌طرفی و انصاف و در دفاع از همدلی. نویسنده استدلال می‌کند که با همدلی می‌توانیم نگاهی منعطف‌تر، انسانی‌تر، گسترده‌تر و واقع‌بینانه‌تر داشته باشیم. او تأکید دارد که اساسا ما دنیا را بی‌طرفانه و عینی نمی‌بینیم؛ چراکه جهان درواقع امتداد منافع، قابلیت‌ها، دلبستگی‌ها و روابط ما است و نگاه‌مان به آن تابع جایگاه و موقعیت‌مان در آن است. «فاصله‌ها» که با ترجمه اسد ناصحی در نشر بیدگل منتشر شده، می‌کوشد تصورات غلط ما درباره ماهیت و کارکرد همدلی و دلایل نیازمان به آن را تصحیح کند. قدم اول در این مسیر شناسایی و پذیرش زاویه دید و نگاه خودمان است. بخش اول کتاب به همین موضوع مربوط است. مایبام می‌گوید ما تلویحا خودمان را کنشگران یا عاملانی می‌دانیم که واقعیت را بی‌واسطه درک می‌کنند. البته بیشترمان اگر تحت فشار قرار بگیریم، اعتراف می‌کنیم که دیدگاه‌مان محدود و ناکامل است؛ اما در عمل به نظر نمی‌آید این حرف را چندان قبول داشته باشیم. پذیرش‌مان فقط در حدی است که تصور می‌کنیم در جریان ارزیابی عمیقا بی‌طرفانه و صادقانه‌مان از جهان، خودمان و دیگران، گه‌گاه قدری هم اعمال سلیقه می‌کنیم؛ اما کتاب می‌گوید این باوری اشتباه است و دیدگاه ما به جهان بازتاب‌دهنده هویت‌مان است. در فصل دوم «فاصله‌ها» نویسنده توضیح داده که جهان در وهله اول چیزی نیست که بخواهیم با رجوع به آن نگاه علمی‌مان را تقویت کنیم؛ بلکه جایی است که در آن زندگی می‌کنیم و با بهره‌گیری از آن بقا و رشدمان را پی می‌گیریم. این مسئله در تفاوت بین نحوه نگاه ما به اعمال خودمان با دیدی که به اعمال غریبه‌ها داریم، نمود می‌یابد. در فصل سوم به این موضوع پرداخته شده که در رابطه با خودمان پرسپکتیو یا دیدگاه یک عامل را داریم و مواجهه‌مان با دیگران از منظر یک مشاهده‌گر است. در فصل چهارم کتاب توضیح داده شده که این مواضع خطای پیش‌آمده را از نقطه نظرهایی مجزا نشان می‌دهند که حاکی از رابطه هر شخص با آن خطا است. روش دیگری هم برای ارتباط با دیگران وجود دارد که تنگاتنگ‌تر و تعاملی‌تر است و در فصل پنجم کتاب در این زمینه توضیح داده شده است. کتاب پنج فصل دیگر هم دارد که در آنها نیز موضوعات مرتبط دیگری توضیح داده شده است. هایدی مایبام در فصل‌های مختلف کتاب «فاصله‌ها» این پرسش را مطرح می‌کند که اتخاذ دیدگاه دیگران یعنی چه و چرا اهمیت دارد و جوابی که به دست می‌دهد، اشاراتی ضمنی دارد به اینکه چطور می‌شود خودمان، دیگران و دنیای پیرامون‌مان را بشناسیم و همچنین به این توجه کرده که خویشتن‌بودن یعنی چه، ما چطور در دنیا وجود داریم و عینیت چیست. مایبام با این حال تأکید دارد که کتابش صرفا نظری و گمانه‌زنانه نیست. او در توضیحاتش نوشته: «نظرات و ادعاهای من پشتوانه تجربی مبسوطی دارند. در سرتاسر کتاب داده‌های روان‌شناختی و نظریات فلسفی در هم تنیده‌اند و امیدوارم این هم طرز فکر تجربی را راضی کند و هم ذهن‌هایی را که به فلسفه تمایل بیشتری دارند. درعین‌حال تک‌تک بخش‌های این کتاب عملا به کارتان می‌آید.»

فاصله‌ها

نویسنده: هایدی ال. مایبام
ترجمه: اسد ناصحی
ناشر: بیدگل